

درباره دعوت جلسه مشورتی احزاب کمونیست و کارگری

احزاب کمونیست و کارگری شرکت کننده در «جلسه مشورتی نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری در مسکو» که در مارس سال ۱۹۶۵ تشکیل شده بود پس از مشاورات دوجانبه با یکدیگر اطلاعیه زیر را در باره دعوت جلسه مشورتی احزاب برادر منتشر ساختند. این اطلاعیه در ۲۵ نوامبر ۱۹۶۷ در روزنامه «پراودا» و روزنامه های ارگان سایر احزاب برادر انتشار یافته است.

مقامات رهبری خود و نیز در جریان مشاوره با یکدیگر موافقت خود را با برگزاری جلسه مشاوره جهانی احزاب کمونیست و کارگری برای تحکیم وحدت جنبش کمونیستی و نیز برای پیوستگی صفوف تمام نیروهای سوسیالیستی و دموکراتیک در مبارزه علیه امپریالیسم و در راه رهایی ملی و اجتماعی ملل و تأمین صلح جهانی ابراز داشته اند.

«در حال حاضر عده زیادی از احزاب کمونیست و کارگری ضمن قرارهای کنگره

ماهنامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

دعوت، انستیتوی جنبش کارگری جهانی، از یازدهم تا پانزدهم نوامبر ۱۹۶۷ کنفرانس علمی بین المللی تحت عنوان «پنجاهمین سال اکتبر و طبقه کارگر جهانی» با شرکت نمایندگان بیش از هفتاد حزب کمونیستی و کارگری در شهر مسکو تشکیل گردید. بدعوت انستیتوی مزبور رفیق رادمش در این کنفرانس شرکت کرد و سخنرانی زیر را ایراد نمود:

برخی جهات رشد و تکامل جنبش کارگری در ایران

و نقش آن در جنبش رهایی بخش ملی کشور ما

خصوصیات جنبش کارگری در ایران

پیدایش و رشد مناسبات سرمایه داری در ایران در شرایط نفوذ سرمایه های خارجی و سلطه مناسبات فئودالی و وجود رژیم استبدادی از نیمه دوم قرن نوزدهم آغاز میگردد.

نفوذ سرمایه های خارجی مانع شد که انباشت اولیه سرمایه ملی در تولید صنعتی و استخراج منابع طبیعی بکار برده شود. مقدار

قلیلی از آن که در نیمه دوم قرن نوزدهم در تأسیس کارخانه های صنعتی بکار برده شد بزودی بر اثر رقابت کالاهای خارجی که با کیفیتی بهتر و بهائی ارزاتر در بازارهای ایران عرضه میشدند و مداخله مستقیم کشورهای استعماری تاب نیاورده از بین رفتند.

با شروع دوران امپریالیسم در دنبال صدور کالا دوران صدور سرمایه در ایران دنباله در صفحه ۲

نامه بوروی کمیته مرکزی

بمناسبت دهمین سال رادیوی بیک ایران

به هیئت تحریریه رادیو بیک ایران
رفقای عزیز!

بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران بشمارفقای ارجمند هیئت تحریریه رادیوی بیک ایران بمناسبت دهمین سال فعالیت پرثمر این رادیو صمیمانه شاد باش میگوید. طی دهسال گذشته رادیوی بیک ایران

نقشی خطیر در روشن کردن و بسیج افکار عمومی، در افشای رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک و انتقاد از اقدامات و نظریات هیئت حاکمه، در دفاع و معرفی جنبش رهایی بخش مردم ایران و مجاهدان و قهرمانان آن در دفاع از حقوق زحمتکشان ایران و مبارزات دنباله در صفحه ۶

بیست و دومین سالگرد حکومت خلق در یوگوسلاوی

یوگوسلاوی را جمهوری فدراتیو توده ای اعلام کرد. بدینسان ساختمان جامعه سوسیالیستی در کشور آغاز گردید. قانون اساسی جدید مصوب سال ۱۹۶۳، که منعکس کننده تکامل سیاسی و اقتصادی کشور بود، یوگوسلاوی را جمهوری سوسیالیستی فدراتیو اعلام کرد.

مردم، حزب کمونیست و دولت یوگوسلاوی در جریان ساختمان جامعه دنباله در صفحه ۵

روز ۲۹ نوامبر ۱۹۶۷ بیست و دو سال از استقرار حاکمیت خلق در یوگوسلاوی میگذرد. شالده حکومت نوین یوگوسلاوی در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۳ یعنی هنگامیکه تقریباً یک سوم خاک یوگوسلاوی از نیروهای فاشیستی پاک شده بود، در دومین اجلاس سازمان ضد فاشیستی نجات ملی یوگوسلاوی ریخته شد. دو سال بعد در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۵ مجلس مؤسسان (اسکوپینا) یوگوسلاوی در منشور مصوبه خود

یادی از جنبش ۲۱ آذر ۱۳۲۵

در سال شاه و رژیم وی روز ۲۱ آذر تحت عنوان «روز نجات آذربایجان» مراسمی بر پای میدارند. در خود همین عنوان «نجات آذربایجان» مغالطه مهمی انجام میگردد. آنچه که در روز ۲۱ آذر رخ داده است در آغاز پیروزی یک جنبش دموکراتیک خلقی در آذربایجان ایران و سپس سرکوب خونین آن جنبش بدست نیروهای متحد ارتجاعی و استعماری بود.

عنوان «روز نجات آذربایجان» به استناد این دعوی دروغین پیش کشیده میشود که گویا جنبش دموکراتیک آذربایجان یک جنبش تجزیه طلبانه بوده، لذا سرکوب این جنبش در حکم نجات آذربایجان از چنگ تجزیه طلبان است! جنبش دموکراتیک کارگران، دهقانان، روشنفکران، و دیگر قشرهای دموکراتیک آذربایجان ایران ماهیت تجزیه طلبانه نداشته است. دفاع حزب ما

غرفه «مردم» در «اومانیته»



رفیق فرانسوی مسئول غرفه های بین المللی در جشن «اومانیته» بعد از بازدید از غرفه ها گفت: «غرفه حزب توده ایران زیبا ترین غرفه بین غرفه های بین المللی جشن است»

برخی جهات رشد و تکامل جنبش کارگری در ایران

آغاز میگردد. انگلستان و روسیه تزاری و کشورهای دیگر اروپایی به تحمل قرضه‌های گهر شکن و تحصیل امتیازات و انحصار هائسی در ایران و کسب حقوق (کاپیتولاسیون) نائل میگرددند. باین ترتیب اهرمهای مهمی از اقتصاد کشور را در دست میگیرند و ایران به کشوری وابسته تبدیل میگردد.

عوامل مزبور تولید صنعتی و کشاورزی را در کشور بشکل ناهنجاری سوق میدهد و به تبعیت از چنین وضعی است که پروسه پیدایش و شکل گیری طبقه کارگر و جنبش کارگری در کشور ما دارای خصوصیات چندینی است و ما سعی میکنیم برخی از جهات آنرا ذیلاً توضیح دهیم.

در ربع آخر قرن نوزدهم صدها هزار از دهقانان ایرانی بر اثر ظلم و فشار مالکین فئودال و آغاز پروسه قشر بندی در روستاها که فقر و بیکاری دچار شده بودند برای جستجوی کار بناوچی قفقاز مهاجرت دائم یا موسمی نمودند با افکار سوسیال دمو کراسی در قفقاز آشنائی یافتند و نخستین ناقلین افکار مزبور به ایران بوده اند.

از سوی دیگر در مؤسسات خارجی در ایران مانند مؤسسات نفت در جنوب و در مؤسسه شیلات در شمال نخستین گروه های کار گیری صنعتی در داخل کشور بوجود می آیند. باین ترتیب کارگران صنعتی در کشور ما قبل از بورژوازی صنعتی پیدا میشود. کارگران صنعتی ایران در مؤسسات خارجی در داخل و در خارج کشور بوجود می آیند. این امر بخودی خود در رشد و تکامل جنبش کارگری در ایران تأثیر فراوان داشته است.

سوسیال دمو کراس انقلابی در ایران

نخستین تأثیر پیوند جنبش کارگری ایران با جنبش سوسیال دمو کراسی در روسیه تزاری در انقلاب مشروطیت ایران ظاهر میگردد. رهبری انقلاب در تریز که یکی از مهمترین کانون های انقلاب مشروطیت ایران بوده است با گروه مخفی ای صورت میگرفت که از طریق کارگران مهاجر ایرانی در قفقاز با سوسیال دمو کراسی های قفقاز رابطه داشته است. در رشت کانون دیگر انقلاب مشروطیت نیز با سوسیال دمو کراسی های قفقاز رابطه نزدیک داشته است. اورژنی گنزره که از جانب سوسیال دمو کراسی های قفقاز گیلان آمده بود باشکاههای بین المللی و کلوبهای سیاسی کارگران و صنعتگران تشکیل داد. در این سازمانها که اولین سازمانهای سوسیال دمو کراسی در ایران بوده ایده های مارکسیستی میان زحمتکشان تبلیغ میشد.

طبق اسنادی که در این اواخر در مطبوعات شوروی انتشار یافته است معلوم میشود که گروه های سوسیال دمو کراسی در تریز از یک سو با پلخانوف و از سوی دیگر

اصل قرار داد دسته جمعی و ۸ ساعت کار موافقت میشود. اتحادیه های کارگری در تهران علاوه بر خواسته های اقتصادی دارای شعار های سیاسی نیز بوده اند. مهمترین این شعارها اخراج انگلیسها از ایران و بر کناری دولت وثوق الدوله، عاقد قراردادی که ایران را عملاً به مستعمره انگلستان تبدیل مینمود، بوده است.

حزب کمونیست ایران از همان آغاز تأسیس خود بعضویت انترناسیونال سوم لنین بزرگ آنرا بنا گذاشت پذیرفته شد.

این خود گام مهمی در تحکیم سازمانی و ایدئولوژیک جنبش کارگری ایران بوده است. جنبش رهائی بخش ملی سالهای ۱۹۲۱ و ۱۹۱۸ سرکوب شد ولی اثر عمیق خود را در آگاهی خائقیهای مبین ما گذاشت. تمام جریان بعدی جنبش کارگری و رهائی بخش ملی در کشور ما مقام خاصی احراز میکنند و نقش مهمی در رهبری آن ایفاء مینمایند. کارگران مهاجر ایرانی که در قفقاز دوش بدوش کارگران قفقاز و برادران ارشد روس خود در مبارزه علیه تزاربسم شرکت داشته اند در ۱۹۱۶ سازمان مستقل خود را بنام «حزب عدالت» در باکو تشکیل دادند. رفت و آمد کارگران ایران با قفقاز و حزب عدالت سازمان سیاسی کارگران مزبور در انتقال مارکسیسم - لنینیسم با ایران نقش مهمی را بازی کرده است.

شعب حزب عدالت در ایران در شهر های رشت، زنجان، آستارا و انزلی تشکیل گردید. همین حزب عدالت است که در نخستین کنگره خود در ژوئن ۱۹۲۰ نام «حزب کمونیست ایران» را بخود میگیرد.

جنبش کارگری ایران پس از انقلاب اکتبر

انقلاب اکتبر کشور ما را از خطر اضمحلال حاکمیت و استقلال نجات میدهد، از یوغ امپریالیسم تزاری آزاد میسازد. حکومت شوراهای فئودال قراردادهای اسارت بار و صرف نظر کردن از کلیه مطالبات و امتیازات خود مقدمات لازم را برای آزادی ایران از یوغ اقتصادی و سیاسی امپریالیسم فراهم ساخت. در تحت تأثیر مستقیم انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و با تشکیل حزب کمونیست ایران جنبش کارگری و رهائی بخش ملی در ایران وارد مرحله جدیدی میگردد. کمونیست های ایران که در مکتب مارکسیسم - لنینیسم در قفقاز تربیت یافته بودند توانستند در جنبشهای رهائی بخش ملی سالهای ۱۹۲۱ - ۱۹۱۸ که تحت تأثیر مستقیم انقلاب اکتبر در استانهای شمالی ایران بقام مسلحانه علیه امپریالیسم انگلستان و استبداد شاهان قاجار تبدیل گردیده بود نقش مهمی ایفاء نمایند.

تحت تأثیر مستقیم انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر جنبش کارگری در سراسر ایران سازمان مییابد. در اغلب مراکز کارگری اتحادیه های کارگری تشکیل گردید. برای نخستین بار اتحادیه کارگران مطابع در تهران که شماره اعضاء آن بدو هزار میرسید در ۱۹۱۸ اعلام اعتصاب عمومی میدهد. اعتصاب با پیروزی خاتمه مییابد، با

پس از چند سال فعالیت خود به حزب توده ها تبدیل گردید. طبقات و اقشار مترقی جامعه ایران: کارگران، دهقانان، روشنفکران، جوانان و زنان را در سازمانهای جداگانه متشکل ساخت. کارگران و زحمتکشان ایران در این دوران بموقیتهائی نائل شدند از جمله برای نخستین بار در ایران قانون کار که حقوق کارگران را تا درجه زیادی تضمین نمود به تصویب رسید.

دوران اوج و حضيض جنبش

جنبش رهائی بخش ملی در کشور ما در سالهای ۱۹۵۳ - ۱۹۵۱ دوباره اوج میبرد. ایران به یکی از حلقه های ضعیف امپریالیسم در خاور میانه تبدیل شده و صنایع نفت ایران ملی میگردد. حزب ما نقش مؤثری در حوادث ملی کردن صنایع نفت در سالهای ۱۹۵۳ - ۱۹۵۱ داشته است. در این مرحله مانند مراحل دیگر جنبش کارگری ایران با جنبش رهائی بخش ملی درهم میبندد. امپریالیسم و ارتجاع ایران منافع سیاسی و اقتصادی خود را در خطر دیدند به کودتای اوت ۱۹۵۳ دست زدند که منجر به سقوط حکومت دکتر مصدق گردید. سازمانهای ملی و دمو کراتیک از هر گونه فعالیت آزاد محروم میگرددند، ترور پلیسی بی سابقه ای در کشور ما حکمفرما شد و به همه پیروزی های خلفای ایران که بر اثر مبارزات گذشته بدست آمده بود قلم بطلان کشیده شد.

خصوصیت عمده این دوران دولتی شدن احزاب و اتحادیه های کارگری است احزاب و اتحادیه های کارگری دولتی براهنامه ای از سازمانهای دولتی تبدیل میگرددند. بسیاری از مزایای پیشین طبقه کارگر ایران که بر اثر مبارزات طولانی در قانون کار تصریح شده بود یکی پس از دیگری با دست برد های پی در پی در قانون مزبور حذف میشد. مبارزه در درون اتحادیه های کارگری دولتی برای تبدیل اتحادیه های مزبور به اتحادیه های واقعی یکی از مبارزات اساسی کارگران ایران است.

سیاست «کارگری» رژیم کنونی

رژیم ترور و پلیسی در کشور ما مانند کشورهای نظیر یا یکسلسله تظاهرات عوامفریبانه نیز همراه است. مثال برجسته آن قانون باصلاح سهم شدن کارگران در سود کارخانه ها است. زمامداران ایران در اطراف «قانون» مزبور هیاهوی زیادی راه انداخته اند. واقعیت آنست که از دوازده هزار کارگاه و کارخانه های ایران که بیش از ده نفر کارگر دارند تنها چند صد کارخانه و کارگاه ملی از این باصلاح قانون استفاده میکنند و سالیانه بدریافت مبلغ بسیار ناچیزی نائل شده اند. در کارخانجات دولتی و در تمام کارخانه ها و مؤسسات خارجی که مراکز عمده تجمع کارگران ایران هستند از قانون مزبور اثری نیست. «قانون» مزبور به سدی در مبارزه کارگران برای افزایش مزد تبدیل شده است.

مرحله جدید جنبش کارگری در ایران

جنبش کارگری و رهائی بخش ملی از همان سالهای نخستین دومین جنگ جهانی وارد مرحله جدیدی از رونق خود میگردد. حزب توده ایران وارث سنن انقلابی خلفای ایران بوسیله عناصر مترقی که در زندانها و تبعیدگاهها بودند تشکیل میشود و در مدت کوتاهی از چند حوزه کوچک به یک جریان عظیم اجتماعی تبدیل شده و در رأس جنبش رهائی بخش ملی خلفای ایران قرار میگیرد.

در سالهای جنگ تحت رهبری حزب توده ایران برای نخستین بار شورای متحد مرکزی کارگران تشکیل میگردد و اکثریت مطلق کارگران ایران در صفوف آن متشکل میگردند موازی با تشکیل شورای متحد مرکزی اتحادیه های کارگری، اتحادیه دهقانی نیز تحت رهبری حزب توده ایران تشکیل گردید. باین ترتیب حزب توده ایران

گرایش‌های نوین در اقتصاد ایران و انعکاس آن در قشر بندی سرمایه داران

داخلی و بخش دولتی روبرو هستند. صنعتی شدن کشور و افزایش نقش دولت محدودیت‌های معینی برای بازرگانان واردکننده بوجود آورده است. از اینجاست که بازرگانان واردکننده علیرغم افزایش سریع واردات هر چه

بیشتر از «بیکاری» و «وضع بد اقتصادی بازار» می‌نالند و آقای خسروشاهی در دومین کنفرانس اطفاقی‌های بازرگانی طلب میکند که «تحرک و قدرت بخش دولتی نباید سبب شود کار و فعالیت‌هایی که بخش خصوصی قادر به اجرا و انجام آن است در انقراض و محور کار دولت درآید» و در سومین کنفرانس از اینکه «تولیدکننده و بازرگان و صادرکننده... در مرز یکدیگر داخل شده اند» شکایت میکند و «تقسیم کار بین بخشهای مختلف اقتصادی» را خواستار میشود.

از آنچه گفته شد چنین برمیآید که افزایش واردات ایران از کشورهای امریالیستی، اگرچه وابستگی ایران را با انحصارات خارجی حفظ کرده است، ولی در عین حال بمعنای بالا رفتن نقش بازرگانان کمپرادور در اقتصاد کشور نیست، بلکه برعکس توأم با تضعیف مواضع آنان است.

تغییرات حاصله در قشر بندی بورژوازی ایران اقتصادی و بازرگانی

ایران تحولات معینی را در بورژوازی ایران باعث شده است.

گروههای معینی از بورژوازی صنعتی ایران که اکنون از لحاظ قدرت مالی نسبتاً نیرومند شده‌اند، بتدریج خود را از وابستگی به بازرگانان کمپرادور رها می‌سازند. ولی آنان در عین حال بعزت رشد ناهنجار و ناهماهنگ اقتصاد ایران ناگزیر باید مقادیر هنگفتی از کالاها را از انحصارات خارجی وارد کنند و بطور مستقیم با انحصارات خارجی رابطه برقرار سازند و بدین نحو خود بنوعی تولیدکننده کمپرادور بدل شوند.

گروههای معینی از بازرگانان کمپرادور نیز که سرمایه کافی گرد آورده‌اند برای دمساز شدن با وضع اقتصاد کشور با همان شرایط بورژوازی صنعتی به تولید داخلی روی آورند و خود به کمپرادور تولیدکننده بدل میشوند.

برخی دیگر از صاحبان سرمایه با استفاده از حمایت دولت از سرمایه گذارهای خارجی سرمایه خود را با سرمایه‌های انحصاری در می‌آمیزند و با ایجاد سرمایه‌های مختلط به عامل واردکننده سرمایه یا کمپرادور صنعتی بدل میشوند.

این سه گروه که یا از لحاظ منشأ فعالیت اقتصادی خود (ابتدا بازرگانان صرف و یا تولیدکننده صرف بوده‌اند) و یا از لحاظ نحوه ارتباط خود با انحصارات خارجی (از طریق خرید وسایل تولید، یا از طریق سهم شدن در وسایل تولید) با هم تفاوت دارند و این امر میتواند در موضع‌گیری آنان مؤثر باشد، بهر حال در مابین خود یکسانند و دنباله در صفحه ۴

۲۶ درصد واردات تقلیل یافت. در همین مدت سهم کالاها سرمایه‌ای از ۱۷ درصد به ۲۸ درصد و سهم مواد اولیه و نیمه ساخته از ۱۸ درصد به بیش از ۴۵ درصد افزایش یافت. بطوریکه از ارقام منتشره در بارهٔ پیش بینی واردات ایران طی برنامه چهارم برمیآید، این تناسب در پنجسال آینده با سرعت باز هم بیشتری تغییر خواهد یافت و سهم کالاها مصرفی، مواد و کالاها سرمایه‌ای بر ترتیب به ۲۲٫۵، ۲۷٫۵ و ۵۰ درصد خواهد رسید. اگر چه گروه بندی کالاها بنحوی انجام میگردد که بطور علمی و دقیق نمیتواند معرف واقعی کالاها مصرفی و مواد اولیه و کالاها سرمایه‌ای باشد ولی بهر حال در وجود این گرایشها نمیتوان تردید داشت. این تغییرات نشان میدهد که استروکتور اقتصادی ایران در حال تحول است و رشته‌های تولیدی، بویژه رشته‌های صنعتی بتدریج بازرگانی و در وهله اول بازرگانی خارجی را تابع مقتضیات رشد خود می‌سازد.

تغییرات حاصله در قشر بندی بازرگانی خارجی کشور باعث میشود که میزان واردات

بعضی از کالاها بطور نسبی و یا مطلق کاهش یابد و حتی در مواردی کاملاً قطع گردد. این نخستین عاملی است که موجب محدود شدن دامنه فعالیت بازرگانان واردکننده میشود. تغییرات حاصله در ترکیب واردات بسود وسایل تولید عامل دیگری است که موجبات محدود شدن کار بازرگانان واردکننده را فراهم می‌سازد. با افزایش قدرت صاحبان صنایع نقش آنان نیز در واردات کالاها مورد نیاز این صنایع افزایش می‌یابد. امتیازاتی که دولت برای صاحبان صنایع بوجود آورده است (حتی در مواردی اجازهٔ وارد کردن کالا منوط به داشتن پروانه تولید می‌باشد) همراه با معافتهای گمرکی و بخشودگی سود بازرگانی و غیره که برای وسایل تولید پیش بینی شده است، باعث میشود که واردات کالاها سرمایه‌ای و مواد اولیه و نیمه ساخته هر چه بیشتر در دست تولیدکنندگان مترکز شود.

علاوه بر تولیدکنندگان خصوصی، نقش دولت نیز در واردات کشور افزایش می‌یابد. در سال ۱۳۴۱ فقط ۱۲ درصد و در سال ۱۳۴۵ در حدود ۳۰ درصد ارزهای وارداتی بوسیله سازمانهای دولتی و بطور عمده بوسیله سازمان برنامه و شرکت ملی نفت مصرف گردید، یعنی سهم بخش خصوصی در این مدت از ۸۸ درصد به ۷۰ درصد کاهش یافت. بنا بر این بازرگانان کمپرادور ایران با دور قبیل بزرگ یعنی تولیدکنندگان

دست داده‌اند «نگرانی همکاران خود را آشکار ساخت. در سومین کنفرانس نیز آقای مهدی مؤتمنی ضمن تأیید این حقیقت که عده نسبتاً قابل ملاحظه از کار خارج و کارهای آنها رو به کاهش است» و عدهٔ نسبتاً زیاد گله مند هستند و همیشه از وضع بد اقتصادی بازار ناله دارند» از وزارت

اقتصاد تقاضا نمود تا «رویهٔ مسالمت آمیزتری نسبت به بازرگانانیکه... کارهای خود را از دست داده‌اند، اتخاذ نماید». میان افزایش سریع واردات از یکسو و اظهار نگرانی واردکنندگان از «بیکاری» و «وضع بد اقتصادی بازار» از سوی دیگر، تناقض آشکار وجود دارد. ولی این تناقض ظاهری است. مسئله را عمیقتر بررسی کنیم. در سال ۱۳۱۴ تغییرات حاصله در اقتصاد کشور سرمایه‌های شرکت‌های بازرگانی تقریباً ۷۷ درصد سرمایه‌های مجموعه شرکت‌های ایران را تشکیل میداد. در همین سال شرکتهای صنعتی (صنایع کارخانه‌ای) فقط

۱۲ درصد سرمایه‌های شرکتها را بخود تخصیص داده بودند. این ارقام تسلط بلامنازع سرمایه تجاری را بر سرمایه صنعتی در آن زمان نشان میدهد. ولی این وضع بتدریج دگرگون شد. تا سال ۱۳۴۲ سهم شرکت‌های بازرگانی تا ۳۳ درصد پائین آمد و در عوض سهم شرکتهای صنعتی به ۴۴ درصد بالغ گردید. بدین ترتیب طی ۲۸ سال سهم سرمایه‌های تجاری ۲۳ برابر کاهش یافت و سهم شرکتهای صنعتی بیش از ۳٫۵ برابر افزوده شد. تغییرات حاصله در سهم رشته‌های صنعتی و بازرگانی در تولید ملی ایران نیز بالا رفتن نقش صنعت رادر قیاس با بازرگانی نشان میدهد؛ در سال ۱۳۴۰ صنایع (بدون نفت) و بازرگانی هر یک سهمی برابر ۹۳ درصد در تولید ملی داشتند. ولی در سال ۱۳۴۵ سهم صنایع به بیش از ۱۳ درصد بالغ شد و سهم بازرگانی به ۸۰ درصد تقلیل یافت. بدینسان سرمایه تجاری بتدریج تسلط بلامنازع خود را از دست میدهد و فعالیت صنعتی نقش هر چه بیشتر در اقتصاد کشور بدست می‌آورد.

تغییرات حاصله در ترکیب واردات صنعتی و بطور کلی همپای گسترش تولید سرمایه‌داری در ترکیب واردات ایران تغییرات قابل ملاحظه حاصل شده است. بتدریج از وزن کالاها مصرفی کاسته میشود و سهم کالاها سرمایه‌ای و مواد اولیه و نیمه‌ساخته افزوده میگردد. در سال ۱۳۲۰ کالاها مصرفی ۶۵ درصد کابل واردات کشور را تشکیل میداد ولی در سال ۱۳۴۵ تقریباً به

از خلال کنفرانسهای اطفاقی‌های بازرگانی بررسی نتایج کنفرانسهایی که طی چند سال اخیر در بارهٔ جوانب مختلف اقتصاد کشور تشکیل شده‌اند نه فقط برای تعیین سیاست اقتصادی رژیم و تحولات پیش آمده در آن دارای اهمیت است، بلکه برای مشخص ساختن تحولات و گرایشهایی هم که در خود اقتصاد کشور پدید آمده است و نیز برای بررسی موقعیت و موضع‌گیری نیروهای اجتماعی مسلط بر سرنوشت اقتصادی و سیاسی کشور نیز حائز اهمیت فراوان است. در میان این کنفرانسها، کنفرانسهای سالانه اطفاقی‌های بازرگانی کشور مقام خاصی دارد، زیرا منعکس کننده اهم تحولات و گرایشها و موضع‌گیریهاست. در کنفرانسهای اطفاقی‌های بازرگانی ایران مسائلی گوناگون با دامنه‌ای گمابیش گسترده مطرح شده است. موقعیت و مقام بازرگانی (بویژه بازرگانی خارجی) و رشته‌های تولیدی (بویژه رشته‌های صنعتی) در اقتصاد کشور، تحولات و گرایش‌های پدید آمده در تناسب و مناسبات آنها، دشواریها و تقاضاهای بازرگانان و صاحبان صنایع و سیاست رژیم در این زمینه‌ها، مقام و نقش بخشهای دولتی و خصوصی (سرمایه داری دولتی و سرمایه داری خصوصی)، مناسبات و موضع‌گیری نمایندگان این بخشها (نمایندگان دولت و نمایندگان سرمایه‌داران) از مهمترین مسائل مطرح شده در این کنفرانسها بوده است. بررسی این مسائل، از جوانب و مقاطع مختلف انجام گردد. ما فقط به بررسی خطوط کلی تحولات حاصله در بازرگانی خارجی و رابطه آن با پیشرفت صنعتی کشور و انعکاس این تحولات در قشر بندی بورژوازی ایران میپردازیم و بررسی مسائل دیگر را به فرصتهای دیگر موکول میکنیم.

افزایش واردات و نگرانی واردکنندگان یکی از متحرکترین بخش‌های فعالیت

اقتصادی ایران در سالهای اخیر بوده است. چنانکه در برابر ۸ درصد افزایش سالانه تولید ملی طی سالهای ۱۳۴۵ - ۱۳۴۱، واردات کشور هر ساله ۱۵ درصد افزوده شده است. یعنی آهنگ افزایش واردات کشور تقریباً دو برابر آهنگ رشد تولید ملی بوده است.

علی‌رغم این افزایش سریع، واردکنندگان کالاها خارجی از وضع کنونی و سرنوشت آتی خوش اظهار نگرانی نمیکند. مثلاً آقای علی اکبر محلوچی، نایب رئیس اطفاقی بازرگانی تهران در نخستین کنفرانس اطفاقی‌های بازرگانی با اعلام اینکه «گروه کبیری که بکار وارد کردن و فروش کالاها وارداتی مشغول بوده‌اند، کار خود را از

گرایش های نوین در اقتصاد ایران و انعکاس آن در قشر بندی سرمایه داران

قشر بورژوازی بزرگ صنعتی ایران را تشکیل می دهند.

گروه های دیگری از بازرگانان وارد کننده که رشته فعالیت آنان هنوز دچار این «نوگرایی» نشده است مشابه قشر کمپرادور فعالیت خود ادامه می دهند و یا بر حسب شرایط نوع کالاها و وارداتی خود را تغییر می دهند. بورژوازی بزرگ صنعتی و بورژوازی کمپرادور و نیز سرمایه داران بزرگ دیگر بعزت قدرت اقتصادی و نفوذ سیاسی خود قادر به منبسطی در چارچوب تناقضات و رقابت های خاص جهان سرمایه داری هستند. در این مورد پیام اطباق صنایع و معادن که منافع تولید کنندگان بزرگ داخلی است به سومین گفترانس اطلاعاتی بازرگانی شایان توجه است. در این پیام گفته میشود: «واضح است که توسعه صنایع داخلی لزوماً موجب رکود و کاهش فعالیتهای بازرگانی نمیشود... منتهی فعالیتهای بازرگانی باید با نیاز مندیهای واقعی کشور منطبق و هماهنگ شود... بدین جهت بین صنایع و بازرگانی بجای افتراق و رقابت باید وحدت و هماهنگی برقرار شود تا از طریق همکاری متقابل صاحبان صنایع و بازرگانان منافع عالی کشور تأمین گردد».

رژیم موجود نیز که قشر های بالایی

بورژوازی را تکیه گاه عمده اجتماعی خود

قرار داده است و در تمام اقدامات خود

میکوشد هم منافع بورژوازی بزرگ

صنعتی و هم منافع بورژوازی کمپرادور را

حفظ نماید، برای کاستن از خدات تضادهای

موجود میان این دو قشر تلاشهایی بعمل میآورد.

چنانکه آقای هویدا در دومین گفترانس

اطاقهای بازرگانی ایجاد کمیته مشترکی از

اطاق بازرگانی تهران و اطباق صنایع و معادن

را بعزت آنکه «اجرای بسیاری از وظایف

قانونی که بعهدده هر یک از این دو اطاق منجول

است با منافع دیگری تماس میابد و چه بهتر

که قبل از طرح با دولت در یک مرجع عالی

بین تشکیلات ذینفع مورد تبادل نظر قرار

بگیرد ضروری شمرد.

در این میان خرده بورژوازی و بورژوازی

متوسط موقعیت خاص دارند. این قشر ها

بعزت ضعف بنیه مالی راساً قادر بوارز کردن

وسائل تولید خود نیستند و از این لحاظ مانند

گذشته در اسارت بازرگانان کمپرادور باقی

میمانند و در عین حال موجودیت آنها بعزت

رقابت کالاهای وارداتی و یا محصولات صنایع

و بخشودگی سود بازرگانی و غیره ایجاد میکند، بطور عمده شامل سرمایه های کلان میشود و سرمایه های کوچک و متوسط عملاً از آن بهره مند نمیشوند. کوششهای دولت در زمینه تشویق و تقویت شرکتهای بزرگ نیز بنوبه خود شرایط مساعد تری برای ورشکستگی خرده بورژوازی و تسلط سرمایه های بزرگ بر بورژوازی متوسط فراهم میسازد. آقای ابو القاسم خردجو، مدیر عامل بانک توسعه صنعتی در سخنرانی خود در سومین گفترانس اطلاعاتی بازرگانی ضمن تشریح تحولات حاصله در اقتصاد کشور باین نتیجه رسید که در شرایط موجود... فقط شرکتهای بزرگ میتوانند باقی بمانند و صاحب صنعت کوچک در تنازع بقاء به نیتستی رانده میشود. منافع خرده بورژوازی و بورژوازی با منافع صاحبان صنایع بزرگ و بازرگانان کمپرادور کاملاً متضاد است و این قشر ها در میدان رقابت کالاهای وارداتی و یا کالا های تولید کنندگان بزرگ داخلی و در نتیجه تعدی و اجفاف بازرگانان کمپرادور دچار شکست و تجزیه میشوند و هر چه بیشتر استقلال خود را از دست میدهند و تحت تسلط سرمایه های بزرگ قرار میگیرند.

بازرگانی خارجی

عامل رشد نامحسوس

و وابستگی ایران

به گسترش بیشتر دامنه تولید کالایی - پولی

کمک میکند، از کان مناسبات گهواره مترزل

میسازد و شرایط لازم برای رشد تولید کالایی

سرمایه داری فراهم میآورد. پیش از آنکه

تولید سرمایه داری بر جامعه مسلط شود،

سرمایه تجاری بطور مستقل رشد میابد و عملاً

تولید را تابع خود میسازد. با پیدایش تولید

سرمایه داری و بسط دامنه آن، سرمایه تجاری

رشد مستقل خود را از دست میدهد و خود

تابع سرمایه داری میگردد و بقول مارکس

بخادم و عامل سرمایه تولیدی بدل میشود.

رشد مستقل سرمایه تجاری با تکامل اقتصادی

جامعه رابطه معکوس دارد و این رابطه را

مارکس از قانونمندیهایی تکامل اقتصادی

جامعه میشناسد.

تسلط تدریجی سرمایه صنعتی بر سرمایه

تجاری در ایران و تغییر ترکیب کالا های

وارداتی بمقتضای نیازمندهای رشد صنعتی

کشور ناشی از همین قانونمندی است. ولی

چون ایران در معرض تهاجم کالاها و سرمایه

های خارجی قرار دارد، در نحوه بروز این

میسازد و پایه های تولید خانگی و پیشه وری را درهم میریزد، ولی به پیشرفت تولید صنعتی بشیوه سرمایه داری منجر نمیشود. در این دوران بازرگانی بجای آنکه شرایط لازم برای رشد تولید کالایی سرمایه داری فراهم سازد، در راه آن دشواری بوجود میآورد. در چنین شرایطی سرمایه تجاری وابسته به انحصارات نقش مستقل در اقتصاد کشور دارد و بازرگانان کمپرادور یکه تا میدان اقتصاد کالایی کشور هستند.

از آنجا که هیچ نیروئی قادر بجلو گیری از تأثیر قوانین اقتصادی در جامعه نیست، نفوذ انحصارات خارجی نیز غیر غم تمام دشواریهایی که در راه رشد اقتصادی کشور بوجود میآورد، نمیتواند مانع تأثیر جبری این قوانین گردد. اقتصاد کشور بوزده تولید صنعتی گر چه بکندی و نا استواری، ولی بتدریج پیش میرود و شرایط برای پیشرفت نسبتاً سریعتر تولید سرمایه داری فراهم میآید. با اینهمه رشد اقتصادی کشور در این مرحله نیز تحت فشار عوامل خارجی قرار دارد و زیر نفوذ انحصارات دول امپریالیستی انجام میگردد.

عوامل خارجی مهر و نشان خود را در اقتصاد

کشور باقی میگذازد: رشد صنعتی کشور

وابسته بانحصارات خارجی است و تجدید تولید

اجتماعی به طفیل تجدید تولید کشورهای

امپریالیستی انجام میگردد. وابستگی کشور

باعث میشود که رشد اقتصادی همه جانبه و

هماهنگ انجام نگیرد و میان تولید وسائل

تولید و تولید وسائل مصرف عدم تناسب فاحش

بوجود آید. رژیم که خود ثمره این وابستگی

است، میکوشد این ناهماهنگی و عدم تناسب

را از طریق واردات کالا از کشورهای

امپریالیستی بر طرف سازد. تغییر ترکیب

واردات کشور بسود وسائل تولید که رژیم

از آن به نفع خود استفاده تبلیغاتی میکند و

گاه موفق به فریب میگردد، نه فقط باین

ناهماهنگی و عدم تناسب پایان نمی بخشد،

بلکه بوابستگی اقتصادی کشور جنبه خطرناکتر

و مهلکتر میدهد. زیرا این وسائل بطور عمده

وسائل تولید کالا های مصرفی هستند. اگر

در گذشته بطور عمده کالاهای مصرفی کشور

در کف اختیار انحصارات بود، اکنون

سرنوشت صنایع نارس و آئینده جمع کثیر و

روز افزون کارگران و کارمندان این صنایع

به کشورهای امپریالیستی وابسته شده است.

دولت برای ایجاد صنایع تولید کننده وسائل

تولید (بخصوص ابزار تولید) در حدود امکانات

واقعی کشور و بی نیاز ساختن ایران از کشورهای

های امپریالیستی تقریباً گامی برداشته است.

بدیهی است که انحصارات خارجی در ایجاد

حیاتی در ایران هستند، مانع استفاده کامل از امکاناتی میشود که کشورهای سوسیالیستی حاضرند در اختیار ایران بگذارند. زیرا دامنه صادرات کشور با وجود آمادگی کشورهای سوسیالیستی بخرید محصولات صنعتی ایران بسیار محدود است و تکیه به بازرگانی پایداری و عدم استفاده از ارز های آزاد برای احداث صنایع سنگین بکمک کشورهای سوسیالیستی عملاً بمعنای ایجاد سد در راه صنعتی شدن واقعی کشور است. سیاست رژیم که متوجه آشتی دادن منافع صاحبان صنایع بزرگ با منافع بازرگانان کمپرادور و نیز هماهنگ ساختن منافع تولید کنندگان بزرگ داخلی با منافع انحصارات امپریالیستی است، نمیتواند پاسخگوی منافع زحمتکشان و موافق مقتضات رشد اقتصادی کشور باشد.

مسعود

قابل توجه علاقمندان

به نشریات توده

با بتقاضای خوانندگان گرمی، و با ابراز تشکر از ایشان که آمادگی خود را برای پرداخت بهای نشریات توده اعلام داشته اند، بدینوسیله بهای مهمترین نشریات توده به اطلاع همگان میرسد. ضمناً از خوانندگان گرمی خواهشمندیم که نکات زیر را رعایت فرمایند:

۱) بهای نشریات را به حساب بانکی اعلام شده بپردازند.

۲) خوانندگان مقیم خارج از کشور معادل ریالی بهای نشریات را به پول کشور محل اقامت خود بپردازند.

۳) خوانندگان گرمی بابت نشریاتی که بطلب دریافت داشته اند هر قدر میتوانند کمک کنند.

۴) مبلغ ارسالی را کتباً نیز بما اطلاع دهند.

نام نشریه	بها
ماهنامه مردم	۱۰ ریال
مجله دنیا	۴۰
مجله مسائل بین المللی	۲۰
مانیفست	۴۰
سرمایه (هر جلد)	۴۰
لودویگ فویرباخ	۴۰
دولت و انقلاب	۴۰
منتخبات آثار لنین (هر جلد)	۲۰۰
برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی	۲۰
اصول فلسفه مارکسیسم	۲۰
آخرین دفاع روزیه	۴۰
یاد داشتهای فلسفی و اجتماعی	۴۰
گومات	۴۰
خان و دیگران	۱۰
یادنامه شهیدان	۲۰
رژیم ترور و اختناق	۱۰
خیانت او بوطنش	۲۰

Sweden Stockholm, Stockholms Sparbank شماره حساب بانکی C-1265-5

رشته های کلیدی نیست و توأم با نفوذ مستقیم سرمایه های انحصاری است. از سوی دیگر تکیه دولت بیازرگانی پایداری با کشورهای سوسیالیستی که برخلاف کشورهای امپریالیستی آماده ایجاد صنایع

برخی جهات رشد و تکامل جنبش کارگری در ایران

پیدایش قشر موسوم به «اشرافیت کارگری» خصوصیت بزرگ جنبش کارگری در شرایط کنونی کشور ما است. کارگران مزبور از امتیازات زیادی برخوردارند و وظیفه آنها بی محتوی کردن جنبش کارگری و دفاع و تبلیغ از رژیم موجود است. برای تکمیل عواطفی افشاد نادری از این قشر در انتخابات فلابی به کرسیهای مجلس ایران راه میابند و از تریبون مجلس شورای ملی برای دفاع و تجلیل رژیم استفاده می نمایند.

برخی تغییرات در سیاست رژیم

بهبود روابط و همکاری فنی و اقتصادی با کشور اتحاد شوروی عنصر جدیدی در سیاست اقتصاد کشور ما است و مورد پشتیبانی همه جانبه حزب ما قرار گرفته است. اتحاد جماهیر شوروی با ساختن کارخانه ذوب آهن در ایران یکی از آرزوهای ملی ما جامعه عمل میبوشاند. با ساختن کارخانه ذوب آهن پایه های اولیه صنایع سنگین در کشور ما گذاشته میشود.

بطور کلی در سالهای اخیر تحرك در بسط صنایع در بخش دولتی و خصوصی پیدا شده است. سرمایه گذاری بخش دولتی

بهتر از قابل توجهی بسط یافته است. از طرف کشورها و انحصارهای امپریالیستی نیز سرمایه گذاری های جدید قابل توجهی صورت گرفته است. بخش خصوصی مستقلا و یا با شرکت سرمایه های خارجی دست به یک سلسله فعالتهای جدید صنعتی زده است.

بر اثر افزایش آهنگ سرمایه گذاری های دولتی، خارجی و خصوصی در ایران مناسبات سرمایه داری بهرمان وسیعی توسعه ورشد مییابد. اصلاح ارضی کسر چه بسیار محسوس بطور ناپذیری انجام یافته است. منطک پرور قشر بندی را در روستاهای ایران تسریع کرده است. مناسبات سرمایه داری در روستاها بسط مییابد و پایه های فئودالیسم متزلزل میگردد.

مجموع تغییرات مزبور که در جریان تکوین و تبدیل است در استروکتور اجتماعی ایران تغییراتی میدهد که مهمترین آنها افزایش نسبی شماره کارگران، هجوم دهقانان بشهرها و تسریع در قشر بندی خورده بورژوازی شهرها، پیدایش قشر متوسط و غیره و غیره است. تغییرات مزبور تضاد های تازه ای را در جامعه ما برانگیخته است. از آنجمله تضاد بین بخش خصوصی و بخش دولتی است.

تحرك جدید در اقتصاد کشور، تغییرات در استروکتور اجتماعی ایران، بهبود روابط و همکاری فنی و اقتصادی با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی هجوم جدید سرمایه های امپریالیستی تسریع پرور قشر بندی در روستاها و شهرها پرور قشر و تضاد را در رشد و تکامل اجتماعی و اقتصادی ایران بوجود آورده است. بفرنجی پرورهای که اکنون در کشور ما میگذرد منشاء یک سلسله اشتباهات و انحرافات از چپ و یا از راست میگردد که باید همواره از آن اجتناب

نمود. ماهیت رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک است

قشر مسلم آنست که تغییرات مزبور در ماهیت ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم تغییری نداده است. راهی که رژیم میبرد همان راه تسریع رشد مناسبات سرمایه داری درواستکی کامل خود به سیاست و اقتصاد کشور های امپریالیستی است. تغییرات کمی مثبتی که در سیاست و اقتصاد کشور بظهور پیوسته است بدان اندازه نیست که بتواند به تغییر

کیفی تبدیل شود و موجبات یک تحول بنیادی عمیق را در جامعه ما فراهم آورد. تبدیل تغییرات کمی مزبور به یک تغییر کیفی مستلزم مبارزه طولانی از جانب نیرو های ملی و دموکراتیک در جامعه ماست و بعلاوه تابع تغییرات بیشتری در تناسب نیروها در صحنه بین المللی بفتح صاعق، استقلال، دموکراسی و ترقی است.

شمار مرکزی ما دموکراسی است

حزب ما با مطالعه همه جانبه پرورسه تحول بفرنج کنونی در جامعه ما شعار دموکراسی و آزادی را مطرح کرده است. هر اصلاحی که فاقد پایه های توده ای و دموکراتیک باشد خواه ناخواه ناپذیر و نمیتواند وسیع و ریشه دار باشد. از سوی دیگر حزب ما شعار دموکراسی و آزادی را در کشور را از طریق اصلاح ارضی رادیکال بسود دهقانان، بر انداختن تسلط انحصارهای امپریالیستی در اقتصاد کشور تقویت بخش دولتی و دموکراتیزه کردن اداره آن و محدودیت بخش خصوصی در یک کلمه راه رشد غیر سرمایه داری را مطرح میکند.

هم اکنون اهمیت انتخاب راه رشد در جامعه ما به یکی از مسائل روز مبدل شده است. حزب ما عقیده دارد که سیاست خارجی کشور باید در جهت واقعاً دموکراتیک سیر کند. این امر تنها با خروج از سنت و لغو فرار داد های نظامی دیگر و اتخاذ سیاست بیطرفی و بسط همکاری با کشورهای سوسیالیستی و با همه کشورهای که در راه صلح، استقلال، دموکراسی و ترقی مبارزه میکنند امکان پذیر است.

در جنبش جهانی کمونیستی و کارگری حزب ما شیوه خرابکارانه و انشعابگرانه گروه مانوسه دونگ را محکوم میکند، به اسناد مصوب جلسات مشاوره نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ وفادار است و معتقد است که احیاء و استحکام وحدت در صفوف جنبش کمونیستی و کارگری تنها از طریق تشکیل جلسه مشاوره جدیدی امکان پذیر است.

برخی نتیجه گیری ها

تغییراتی که در نیم قرن اخیر از برکت انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر در جهان

در باره دعوت جلسه مشورتی احزاب کمونیست و کارگری

مشاورات دو جانبه بعمل آوردند.

احزاب مزبور بر پایه این مشاورات و بر وفق نظریات و تمایلاتی که در جلسه مارس ۱۹۶۵ ابراز شده بود برگزاری یک جلسه مشورتی را در فوریه سال ۱۹۶۸ برای تبادل نظر جمعی در باره مسئله دعوت جلسه مشاوره جهانی احزاب کمونیست و کارگری سودمند شمرده اند. ما تمام احزاب برادر را به پشتیبانی از ابتکار دعوت جلسه مشورتی و شرکت در آن میخوانیم.

احزاب ما از کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان تقاضا کرده اند امکان برگزاری جلسه مشورتی را در بوداپست فراهم سازد. کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان با این تقاضا موافقت کرده است و برای احزاب برادر دعوتنامه ارسال خواهد داشت.

رهبری حزب توده ایران ضمن اسناد مصوبه خود دواز جمله در «نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی درباره تشکیل جلسه مشاوره احزاب برادر» منتشره در شماره ۸۹ دوره پنجم روزنامه «مردم»، مورخ ۱۱ شهریور ۱۳۴۳ (۶ سپتامبر ۱۹۶۴) و «اعلامیه بوروی کمیته مرکزی درباره اعلامیه جلسه مشورتی نمایندگان نوزده حزب»، مورخ ۱۵ فروردین ۱۳۴۴ منتشره در شماره یکم «ماهنامه مردم» و همچنین در مطبوعات حزبی و در اظهارات رسمی نمایندگان مسئول خود بارها ضرورت تشکیل جلسه مشاوره جهانی جدید احزاب کمونیست و کارگری را برای تحکیم جنبش جهانی کمونیستی و اتخاذ مواضع مشترک در مبارزه علیه امپریالیسم و در راه نیل به هدفهای مشترک تأیید کرده است. در «نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی» صورت گرفته است در تاریخ بی نظیر است. در تاریخ هیچ حزبی مانند حزب کمونیست اتحاد شوروی و هیچ دولتی مانند اتحاد جماهیر شوروی چنین نقش عظیم و مترقانه ای در زندگی بشری نداشته است. در نیم قرن اخیر هیچ حادثه ای در روی رشد و تکامل سیاسی و معنوی میهن ما پیش از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر تأثیر نداشته است.

زندگی و مبارزه کارگران و زحمتکشان ایران در طول نیم قرن با اکبر بزرگ رابطه ناگسستی داشته است. حزب ما وارث سنن انقلابی خلقهای میهن ما و مظهر بهترین آرزوهای طبقه کارگر و تمام مردم زحمتکش دوستی خلل ناپذیر و پیوند ناگسستی خود را با حزب کمونیست اتحاد شوروی که بر پایه سنگت بخارای مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری قرار دارد بنابه یکی از بهترین سنت های انقلابی خود پیوسته حفظ کرده و در آینده حفظ خواهد نمود.

شوروی «تصریح شده است که: «از زمان جلسه مشاوره سال ۱۹۶۰ مدت زیادی گذشته است و یک سلسله مسائل حاد و مبرم در برابر ما است که تنها از طریق مشورت جمعی احزاب برادر میتوان آنها را بررسی و حل کرد.» در «اعلامیه بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران» مورخ ۱۵ فروردین ۱۳۴۴ گفته شده است که: «بهترین و آزموده ترین طریق برای حصول توافق، ایجاد نظر مشترک و از بین بردن اختلافات در صفوف جنبش جهانی کمونیستی همانا تشکیل جلسه مشاوره نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری است.» حزب توده ایران موافقت خود را با دعوت جلسه مشورتی احزاب برادر اعلام میدارد و به سهم خود برای کامیابی جلسه جهانی جدید نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری خواهد کوشید.

حزب ما بر آنست که تدارک و برگزاری جلسه مشاوره باید بر پایه کوشش برای انجام وظائف مشترک جنبش جهانی کمونیستی و تحکیم اتحاد تمام نیرو های ترقیخواه و دموکراتیک و تقویت مبارزه آنان علیه امپریالیسم انجام گیرد. حزب ما با این نظر که از طرف اکثریت احزاب برادر بارها ابراز شده و همواره مورد تأیید کامل ما بوده است موافقت دارد که هدف جلسه مشاوره مداخله در امور هیچ حزب برادر و پرور «بر کناری» هیچ حزبی از جنبش کمونیستی نیست.

هدف اصلی و شعار عمده این جلسه باید تحکیم جنبش جهانی کمونیستی برای مبارزه مؤثر علیه امپریالیسم و دفاع از مصالح حیاتی طبقه کارگر و توده های زحمتکش و جنبشهای آزادیبخش خلقها باشد. ما اعتقاد راسخ داریم که جلسه مشورتی احزاب برادر با مصالح تمام نیرو های انقلابی و ترقیخواه مبارز راه آزادی و استقلال و کلیه مبارزان ضد امپریالیسم مطابقت کامل دارد.

سالگرد حکومت خلق در یوگوسلاوی

سوسیالیستی بادشوارها و مشکلات گونا گونی روبرو بوده و هستند. ولی آنها علیرغم این دشواریها توانسته اند با مبارزه بیگانه خود طی دوران کوتاه بیست سال یوگوسلاوی را از یک کشور عقب مانده به سطح یک کشور پیشرفته سوسیالیستی برسانند. دشواری های ساختمان سوسیالیسم در یوگوسلاوی هنوز پایان نرسیده است. بهین جهت حزب و دولت میکوشند با رفرمها و اقدامات مشخص در زمینه های اقتصادی و اجتماعی، صنعت و کشاورزی یوگوسلاوی را مدرنیزه کنند، سطح زندگی مردم را بازهم بالا ببرند و دموکراسی سوسیالیستی را بیش از پیش بسط دهند.

ما سالگرد استقرار حاکمیت خلق را در یوگوسلاوی به مردم و جامعه کمونیستها و دولت جمهوری سوسیالیستی فدراتیو یوگوسلاوی صمیمانه تبریک میگوئیم و موفقیت روز افزون آنها را در ساختمان سوسیالیسم خواستاریم.

نکته ها

کوسه ریش پهن

در تلاش برای مبتذل کردن لفظ « انقلاب » مجله تهران اکنون میست گام مهم جدیدی برداشته است و برای شرح پر تماق مراسم تاجگذاری شاه عنوان « تاجگذاری انقلابی » را انتخاب کرده است ! اگر قرار باشد تاجگذاری یک شاه انقلابی باشد پس بهمین سبک بدیع « تهران اکنون میست » میتوان گفت : « ارتجاع انقلابی ، استعمار انقلابی ، و بالاخره ضد انقلاب انقلابی ! »

نقیض گوئی يك متملق

آقای امیرانی با نوشتن جمله : « این تاجگذاری تنها خاص شاه ما نیست ، تاجی بر تارک دنیا و تاریخ آنست » در واقع رکورد چاپلوسی را شکانده و دست مرحوم ظهیر الدین فارابی را که نه کرسی فلک را زیر پای قزل ارسلان گذاشته بود از پشت بسته است ! همین نویسنده متملقی در شماره دیگر خوانندهها ضمن وصف توزیع نشان تاجگذاری مینویسد : « بعقیده ما باین ترین نشانهها چون از طرف پادشاه کشور است برای بالا ترین مقامات بالا ترین است » ولی از این افتخار چگونگی میتوان بهره مند شد و آنرا نشان داد در حالیکه پست ترین سینه ها به بهترین نشانها آراسته باشد . شاید بهمین مناسبت است که امثال ما بی نشانها سینه صاف و ساده و بی غل و غش خود را به سینه ای که سراسر نشان باشد و از شایستگی و لیاقت در آن کوچکترین نشانی نباشد ، ترجیح میدهند .

باید از این آقای متملق پرسید چگونگی تاج کسی که نشان پست ترین ، ناشایسته ترین و نالایق ترین سینه ها را میآراید ، تاجی است بر تارک تاریخ و آیا اصلا تاج منسوخ شایسته لیاقت آنرا دارد که بر تارک تاریخ گذارده شود ؟

بدون تفسیر

تهران اکنون میست در شماره ۲۵ شهر یور ماه ۱۳۴۶ خود مینویسد : « هم اکنون موقعیت ایران در جهان متلاطم امروز منحصر بفرود است بجنوی که شرق و غرب برای اولین بار در طول تاریخ رهبری ایران را در خاور میانه و کشورهای اسلامی و آسیایی و آفریقایی قبول دارد و اگر این نقش رهبری هنوز بصورت کامل و عالی خود تجلی ننموده است تقصیر آن متوجه برخی از مسئولان کشور های این ناحیه است چه مقام رهبری ایران از لحاظ تعلیم برنامه های اقتصادی و اجتماعی انقلابی که مورد احتیاج دنیای امروز است آشکار است تا آنجا که نه تنها کشورهای مشابه بلکه کشورهای راقبه جهان نیز از ما درس میآموزند و بنا بر این شرایط اصلی و اساسی در کشور ما برای رهبری این قسمت از جهان موجود است فقط یک چیز باقی میماند و آن استفاده کشور های ناحیه از این موقعیت ممتاز است . »

دنباله از صفحه ۱

انحطاط

اخیراً آقای دکتر پرویز خانلری استاد دانشگاه ، سناتور ، وزیر سابق فرهنگ ، معلم دربار بمناسبت تاجگذاری شاه ، بضمیمه مجله « سخن » ویژه نامه ای مزین و مصور بنام « تاج نامه » نشر داده است تا در غوغای چاپلوسی از شاه مستبد وی نیز بانگ خود را بلند کرده باشد . در مقدمه این ویژه نامه آقای خانلری مطالبی تملق آمیز نوشته و کوشش شده است تا کراهت این تملق را زیبایی خط نستعلیق فرو پوشاند . در این مقدمه از جمله چنین می خوانیم : اهمیت آئین تاجگذاری تا آن درجه بود که در شاهنامه هر جا که نام شاهی تازه به میان میآید فضای به ذکر این آئین و سخنان شاهان در طی مراسم آن اختصاص یافته است . این سخنان شاهانه که روحه ملی ایرانیان را منعکس می کند در خور آنست که جداگانه مورد توجه و مطالعه قرار گیرد . جشن فرخنده تاجگذاری علیحضرت همایون محمد رضا پهلوی شاهنشاه آریا مهر و علیا حضرت فرح پهلوی شهبانوی گرامی ایران یک بار دیگر این آئین پر افتخار کهن را نو می کند و ایران امروز را با اعصار گذشته پیوند میدهد .

این مطالب را آقای خانلری در آبان ۱۳۴۶ نوشته اند ، ولی در مهر ماه ۱۳۲۵ همین شخص در مجله « مردم » ارگان ثوریک حزب توده ایران تحت عنوان « مهر گان نو » مطالب دیگری مینوشت . عبارات او را از صفحه ۷ شماره ۱ نامه مردم نقل می کنیم : « امسال جشن مهر گان ناگهان جلوه گر شده است . حزب توده ایران روز تاسیس خود را با این جشن کهن تطبیق کرده و پس از قرنها ، بیری کهنسال را که همه مردمش میبنداشتند ، جوانی بخشیده است . اما مهر گان امسال رنگ دیگر دارد . جشن میران و خسروان « اکنون نزد افراد ایران بیهمانی آمده است . این تغییر رنگ رانسانه تحول تازه ای در جامعه ملت ایران باید شمرد . افراد ملت ما افراد رنج کشیده و محروم ، اکنون از جشن مهر گان ، جشن میران و خسروان ، نصیبی دارند . . . مهر گان نو جشن جنبش و کوشش روح ملی ماست . در این جشن دلها بآینده ای درخشان امیدوار است . مهر گان نو فرخنده باد ! »

بدین ترتیب آقای خانلری در ۱۳۲۵ نیکو میسرمد که به تجلیل آن سستی بیردازد که یک حزب انقلابی بسود توده ها احباء می کند و در سال ۱۳۴۶ نیکو میسرمد که به تجلیل آن سستی بیردازد که یک دربار مستبد بسود اشرافیت و ارتجاع برپا میدارد و از ایفاء این نقش سراپا متناقض احساس ناراحتی و جدانی نیز نمی کند . آقای خانلری سراینده قطعه بسیار زیبای « عقاب » است : عقابی برای داشتن عمر دراز نزد کلاغی میرود . کلاغ او را به ساحل یک مرداب متعفن می کشاند و آن مرداب را نمابه « خوان الوانی » توصیف می کند که بهره مندی از آن بر طول عمر

دانشجویان مبارز ! اتحاد در مبارزه بر ضد استعمار و استبداد بزرگترین درسی بود که شهیدان قهرمان ۱۶ آذر با نثار خون خود بما دادند . با کوشش در راه تحقق و تحکیم اتحاد مبارزان ضد استعمار و ضد استبداد ، دین خود را با آنها ادا کنیم

دنباله از صفحه ۱

یادی از جنبش ۲۱ آذر

تحصیل بر بان مادری و غیره بخشی از اقدامات مثبت و مترقی حکومت دموکراتیک آذربایجان بود . نیروهای متحده ارتجاع و استعمار این جنبش مترقی را مانند همه جنبشهای مترقی و دموکراتیک شصت سال اخیر تاریخ کشور ما با د مشی بی نظری در خون غرق کردند . بسیاری از سران و مجاهدان جنبش بشهادت رسیدند .

ارتجاع ایران بهر همراه سرکوب جنبش دموکراتیک آذربایجان جنبش دموکراتیک حق کرد را که موازی با این جنبش انجام گرفته بود وحشیانه سرکوب کرد و سران محبوب آن محمد قاضی ، صدر قاضی ، سیف قاضی و دیگران را بشهادت رساند . در این روز که ارتجاع ایران خطا طره جنایات خود را بصورت جشن و رژه نظامی برپا میدارد ، ما بروان شهیدان پاکباز مردم آذربایجان و کردستان که بخاطر آزادی و استقلال ایران و حقوق حقه خلق خود در سنگر ها ، بالای دار ، در میدانهای اعدام در شکنجه خانه ها و در اثر هجوم ترور بستیهای شاه و نژودالها از پای درآمدند درود میفرستیم .

وحدت خلقها ضامن پیروزی آنهاست

اینست عنوان یکی از تراکتهائی که در آستانه پنجاهمین سالگرد انقلاب کبیر اکثر از طرف تشکیلات تهران حزب توده ایران پخش شد . در این تراکته از پیروزی های درخشان خلق شوروی و حزب کمونیست شوروی تجلیل شده و لنین بزرگ بمثابة پایه گذار و رهبر جاودان حزب کمونیست شوروی و تمام بشریت زحمتکش مورد تجلیل قرار گرفته است . در این تراکته از اتحاد و یگانگی خلقهای ایران و شوروی که ضامن رهایی مردم ایران از یوغ امپریالیسم و دست نشاندگان آنهاست ابراز خرسندی شده است . موفقیت تشکیلات تهران در مورد پخش این تراکت ها موجب خرسندی است .

می افزاید . ولی عقاب مغرور ترجیح میدهد در اوج اثیر معر شود و برای افزودن چند روزی بر عمر خویش ، تن به انحطاط لاشخوری نهد . می گویند مردم با ذوق تهران هنگامی که آقای دکتر نخستین بار از مجلس سنا سر در آورد گفتند : « عقاب لاشخور شد » و اینک این ادیب و شاعر در جاده انحطاط به منتهای حقیض رسیده است . نه فقط انتشار « تاج نامه » بلکه دشنام گوئی بخاطره نویسنده بزرگ صادق هدایت بخاطر نوازش خاطر شاه خود یکی دیگر از علائم مقدم این انحطاط است .

نامه بوروی کمیته مرکزی

دانشجویان ایرانی خارج از کشور ، در تحلیل وضع کشور و ارائه شعار ها و شیوه های مبارزه ، در تأمین وحدت خلقهای ایران در نبرد مشترک علیه استبداد و امپریالیسم ، در دفاع از دوستی ایران و شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی ، در افشاء و انتقاد از نظریات انحرافی و اشاعه اندیشه رها گر مارکسیسم لنینیسم ، در معرفی دستاورد های کشورهای سوسیالیستی ، در مبارزه با امپریالیسم جهانی در دفاع از صلح و از جنبشهای انقلابی و رهایی بخش خلقهای جهان و از آنجمله و بویژه دفاع از نبرد عادلانه و قهرمانانه مردم ویتنام ، ایفاء کرده است .

طی این سالها رادیوی بیگ ایران در واقع روزنامه روزانه کثیرالانتشار حزب ما به سه زبان بوده است که هیچگونه بیگرد پلیسی قادر به منع انتشار آن نبود و بهمین مناسبت توانسته نقش تبلیغی ، تهییجی و سازماندهنده مؤثری را در میان زحمتکشان کشور ما در شرایط تسلط رژیم ترور و اختناق داشته باشد . طی این سالها رادیوی بیگ ایران بحق تریبون کلبه افراد مترقی و میهن پرست و بانگ رسا و آواز بی بند قشر های مختلف مردم ایران بوده و در راه وحدت همه نیرو

های ملی و دموکراتیک کوشیده است . رادیوی بیگ ایران را نه تنها در روستا ها و شهر های میهن ما میشناسند و بان ، علیرغم مشکلات و خطرات موجوده ، با علاقه و اعتماد گوش میدهند ، بلکه این رادیو دورتر از مرز های میهن ما شنوندگان فراوان دارد . نام این رادیو در نزد مردم ایران عزیز است و در تاریخ مبارزات حزب ما این نام پیوسته باقی خواهد ماند .

کارکنان رادیوی بیگ ایران از نخستین روز تاسیس آن تحت رهبری کمیته مرکزی حزب توده ایران پیوسته با شور و ابتکار و ایمان عمل کرده اند و در شرایط مختلف اصولیت و اصالت خط مشی خود را محفوظ داشته و در قبال اتهامات و حملات سبعانه مطبوعات ارتجاعی از مشی حزب خود دفاع کرده اند .

رفقا !

ما برای شما و برای همه رفقای که طی دهسال گذشته برای کار موفقیت آمیز رادیوی بیگ ایران کوشیده اند و در این فعالیت شرکت ورزیده اند آرزو مند موفقیت در مبارزه میباشیم .

بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران